



فقهای افغانستان

جناب قاری عبداللہ خان

عبدالسلام ابن اسماعیل ابن عبدالرحیم ابن حسین لغمانی
عہدہ السلام :

کنیتش ابو محمد است پدر و برادر و پسرش همه از فقہا

بودہ اند . عبدالسلام فقہ را از پدر خود اسماعیل فرا گرفته و مدتی در مدرسہ سوق العمید درس میگفت و در بغداد از طرف قاضی القضاة (ابوطالب علی ابن علی بخاری - و ابو الحسن علی (۱) ابن عبداللہ ابن سلیمان) بہ نیابت قضا اشتغال داشت فاضل با دیانت متواضع نیکو اخلاق و از فقہای نامور حنفی بودہ . تولدش در ۵۲۰ و وفات غرہ رجب ۶۰۵ واقع شدہ .

عبدالعزیز : عبدالعزیز ابن عبدالسید ابن عبدالعزیز ابو حنیفہ بارغانی خوارزمی

از فقہای حنفی و با ابو رجاء مختار ابن محمود ذاہدی غزمینی (۲)

خوارزمی معاصر بودہ ابو رجاء را بنظر احترام میداد و تولدش در ۶۲۷ بودہ و وفاتش را جوہر مضیہ در قدس ۶۸۳ م و قولہ علیہ در (۶۷۶) می نویسد حال آنکہ ہر دو از معجم ابو العاتقل میکنند - و بقول ملا علی قاری وفاتش در ۶۸۴ روی دادہ .

عبدالغفور : عبدالغفور ابن لقمان ابن محمد ابوالمفاخر کردی (۳) خوارزمی

از ابو الفضل عبدالرحمن ابن محمد کرمانی فقہ را فرا گرفت

(۱) علی ابن عبداللہ متوفی ۶۲۱ از پدر خود تحصیل فقہ نمود و در سنہ ۵۹۸ قاضی القضاة گردیدہ

مدت دو سال بدین منصب مقرر بود و پس ازان مفروض شد . جوہر مضیہ ص ۳۶۴ - ج - ا -

(۲) غزمینی منسوب است بہ (غزمین) بہ فتح غین و کسر میم کہ قصبہ بودہ از خوارزم و ابو رجاء مختار

غزمینی متوفی (۶۵۸) از کاہرہ حنفی و دارای تالیفات عدیدہ است کہ در آئی ذکر می شود فوائد بیہ ص

(۳) - (۲۱۲) - کردی بر وزن جعفر قریبہ ایست از خوارزم . جوہر مضیہ - ص ۳۲۲ فوائد بیہ ص ۹۸

و شمس الاثمه لقب داشت و از طرف سلطان نورالدین محمود ابن زنگی بقضای حلب مقرر بود . و در همانجا در ۵۶۲ وفات یافت . امام فقهای حنفی و دارای تالیفات عدیده بوده از انجمله است کتابی در اصول فقه و زیادات و حیره الفقها و شرح جامع الصغیر و شرح جامع الکبیر درین شرح در هر باب قواعدی چند ذکر و بعد تخریج مسائل میکند و شرحی بر تخرید شیخ خود ابوالفضل کرمانی هم نوشته .

عبدالمجید : عبدالمجید ابن اسماعیل ابن محمد ابوسعید قیسی هروی در او به از اعمال هرات تولد یافته و در ماوراء النهر تحصیل فقه نموده . (۱) فخر الاسلام علی بزدوی از استادان اوست و دسته از فقهای فقه را از او فرا گرفته اند از انجمله است اسماعیل و احمد هر دو پسر او . دارای تالیفات عدیده در فروع و اصول است در همدان ، بغداد و بصره و بلاد روم تدریس نموده و در (۵۳۴) دمشق رفته و در فیسار به وفات کرده و تاریخ فوتش را فوائد بهیه در ۵۳۷ و جواهر مضمینه در ماه رجب ۵۸۷ می نویسد .

عبدالمملک ابن عبدالرحمن عبدالمملک ابن عبدالرحمن ابن محمد ابن احمد سرخی ابوسعید لقب داشته از فقهای حنفی است در نیشاپور از ابوالحسن علی ابن محمد طرازی و در بغداد از حلال (۲) ابن محمد حصار سمع حدیث نموده و فقه را از عبدالرحمن پدر خود فرا گرفته و جمعی

(۱) فخر الاسلام ابوالحسن علی ابن محمد بزدوی متوفی ۴۸۲ منسوب به (بزده) که قلعه است برشش فرسنگی نصف در راه بخارا فقه و استادان در بخارا بوده دارای تالیفات عدیده است .
 (۲) حلال ابن محمد حصار ابوالفتح کنیت داشته بغدادی است صدوق بوده تولدش در ربیع الاول ۳۲۲ و وفات در ماه صفر ۴۲۴ بوده و حصار یعنی قبرکن است . سمعی - ورق ۱۷۱

از روایات کرده اند : وفات او در (۴۷۰) وقوع یافته .

عبدالمکملک ابن عبد السلام
بقول دمیاطی در مشهد امام اعظم تدریس
میکرده . عبدالرحمن برادر او و محمد ابن عبدالرحمن برادر زاده اش هم در دسته
علمای حنفی جا دارند . عبدالمکملک در بغداد (۶۴۸) وفات نموده و در مقبره
خیزرابیه نزدیک مشهد امام اعظم دفن گشته .

عبدالوهاب
نظام الدین لقب داشته اصلش از بلخ و مولدش حلب بازرگ
سالی که داشت به نباهت و قوه ذهن موصوف بود و در مدرسه اشرفیه حنفیه امام
فقهای حنفی بشمار میرفت پدرش محمد نیز از بزرگان فقهاست عبدالوهاب هم شاگرد
پدر خود بوده فقه و حدیث را از او فرا گرفته . ولادتش در نیمه ربیع الاول (۶۳۸)
و وفاتش در (۷۲۰) و عمرش ۸۲ بوده .

عبدالله
ابن محمد از دی جوهری حدیث سمع نموده . از مشائخ
سمعانی است و از بهر او چند نوبت اجازه نامه نوشته . در (۵۳۰) وفات کرده .
اما عبدالله اصولی بلخی از قدمای فقها در تاریخ المعقول از کتب اصول ازو
ذکری شده بیش از آن چیزی از احوالش معلوم نیست .

عثمان ابن احمد :
خلم پدرش احمد ابن محمد نیز از دسته فقها است و در سابق
ذکر یافت . عثمان از امام ابوبکر محمد ابن احمد ابن علی قز از تحصیل حدیث و فقه
نموده . فقیه و امام فاضل مفتی مناظر بوده در بلخ بر تبه خطابت و شیخ الاسلامی

رسیده . وفات او بقول سمعی بعد از (۵۲۹) بوده .

عثمان ابن منصور : عثمان ابن منصور ابن عبدالکریم طرازی در اصل از مشائخ ماوراء النهر بوده اما در بلخ توطن گزیده . فقیهی بزرگ جلیل القدر بود . در تدقیق علوم و حسن و عطف و مناظره کمتر نظیری در عهد خود داشت . در سفر حج رهسپار بغداد گردید و با بزرگان آنجا ملاقات نمود . و چندی در طوس و نیشاپور درس حدیث میگفت و اخیراً در بلخ (۵۲۴) زندگی را وداع نمود .

عصام ابن یوسف : عصام ابن یوسف ابن میمون بلخی ابو عصمت کنیت داشته از فقهای حنفی است در حدیث ثبت بوده و خطا میکرده از عبداللہ ابن مبارک روایت میکنند . یوسف پدر عصام و ابراهیم و محمد برادران او و عبداللہ برادر زاده اش همه در دستہ فقہا محسوبند . عصام و ابراهیم هر دو برادر ؛ شیخ عهد خود در بلخ بودند . عصام امام ابو یوسف رض و امام زفر پرور از شیخ زاید و از شعبه او روایت میکنند و عبداللہ برادر زاده او و سایر اهالی بلخ از زمره روایت کرده اند . وفاتش را سمعی در انساب و عبدالقادر در جواهر مضیئه در (۲۱۰) می نویسند . و بقول ذہبی در ۲۱۵ بوده .

علی ابن احمد : علی ابن احمد ابن علی ابن محمد شجری (۱) بقول جواهر مضیئه با اسلامی معروف و از اهالی بلخ بوده . عمر درازی یافته و مقدم اصحاب اعظم رض در بلخ بوده در زهد و عفت و حسن سیرت امتیازی تمام داشت از پدر خود و ابو سعد منصور ابن اسحاق خزرجی حدیث سمع کرده

(۱) شجری منسوب بشجره که فریه ایست از مدینه منوره . سمعی - ص - ۳۳۵ .

و جامع صحیح بخاری از روایت کرده. وفاتش در بلخ بمآه ذیحجه یا ربیع الآخر از شهر سنه ۵۲۸ واقع شده .

علی ابن حسن ابن محمد ابن محمد ابن ابو جعفر بلخی ابو الحسن
علی ابن حسن : کنیت یافته و پیرهان بلخی شهرت داشت و فقه را از برهان الدین

کبیر (۱) عبد العزیز ابن عمر ابن مازہ در بخارا تحصیل نمود تا در علم فقه و اصول بر اکتی حاصل کرد و در ماوراء النهر از ابن مازہ مذکور و ابو معین نسفی حدیث سمع نمود بعد هادمشق رفت و در آنجا به شغل تدریس پرداخت و در حلاویه حلب نیز درس میگفت (۲) ابن قاضی راجع بقوه حافظه او میگوید: نوبتی در دمشق طریق ابن مازہ را دوبار از حفظ تقریر نمود و من ازان تعلیق برداشتم بعد ها که بانسخه آن مقابله شد سر تا پای بانسخه مطابقت بود. از خصایص او بوده که در نزول حوادث بحجره در می آمد و در وازنه را بسته بنماز توسل می جست. مشارالیه از اشخاصی است که در بلاد اسلامی علم و دانش و ترویج نموده. وفاتش در ماه شعبان (۵۴۸) وقوع یافته و موالدش شهر سکنند ر بوده از نواحی بخاراستان بلخ .

علی ابن حسین ابن محمد دهان (۳) مروزی کنیتش
ابو الحسن است . خال امام ابو بکر خواهر زاده بوده .

و از قاضی (۴) ابو هبیم ابن حبهیم تحصیل فقه نموده . فقیه فاضل دارای
براعت بود . در سفر حج بغداد رفته . و در (۴۶۴) بر حمت حق پیوسته .

(۱) صدر کبیر و صدر ماضی و برهان الائمہ نیز لقب داشته . گویند سلطان سنجر ابن ملکشاہ سلجوق او را از شهر مهمی در (۴۹۵) بخارا فرستاد و از آنوقت بصدر معروف گردید . پسر آن او تاج الدین و حسام الدین نیز یکی صدر سعید و دیگری صدر شهید لقب داشته اند فوائد بهبه ص ۹۸
(۲) بن قاضی مسکر دمشقی متوفی (۶۵۱) ادیب فقیه بوده و علی ابن خلیل نام داشته جوهر مضبہ ج - ۱ - ص - ۳۶۲ (۳) روغن فروش (۴) ابو هبیم نیشاپوری متوفی (۴۰۶) در فقه و فنوا و تدریس در عصر خود کمتر نظیر داشته و استاد فقها بوده از شاگردان قاضی حر مین استاد ابو الحسن است . جوهر مضبہ ج - ۱ - ص - ۳۴۲